

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

محمد جعفری  
۱۲ دسمبر ۲۰۱۸



## ولایت فقیه، بدعت و فرعونیت به نام دین

۲۸

ج- نهج البلاغه

امامت و رابطه اش با رسالت و وظیفه امامت:

پیامبر علم حضوری خود را به کسی که واجد شرایط امامت است به او منتقل می کند و امام نیز همان مسؤلیت و وظیفه ای که پیامبر دارد خواهد داشت الا این که به او وحی نمی شود و کتاب بر او نازل نمی گردد ولی وظیفه دارد که همان پیام رسالت و کتاب را که مستقیم و با مباشرت و حضور با نفس پیامبر که به او منتقل شده است به مردم برساند. و امامت یعنی در یافت علم حضوری از پیامبر. حضرت امیر در این مورد چنین توضیح می دهند:

۱- " در خانه خود [یعنی خانه پیامبر. ن.] مرا پرورد حالی که کودک بودم (۴۵) و مرا در بستر خود می خوابند و جسد خود را با من تماس می داد و بوی خوش خویش را به من می بویانید و خوراکی را می جوید و سپس آن را در دهان من می گذاشت، نه در گفتار من دروغی یافت و نه در کردار من سهو و خطائی... من او را پیروی کردم آن سان که بچه شتر مادر خود را پیروی می کند. هر روز از اخلاق خود از فضیلتی آشکار رایتی بر من می افراشت و به من فرمان می داد که از او پیروی کنم. هر سال در " حراء " مجاور می گردید و من او را می دیدم و جز من او را نمی دید در آن روزها اسلام در خانه ای نبود جز رسول الله (ص) و خدیجه و من سومین آنان بودم.

نور وحی و رسالت را دیدم و بوی نبوت را شنیدم ( استشمام کردم) . هنگامی که وحی بر او ( ص) نازل شد ناله شیطان را شنیدم . پس گفتم: ای رسول خدا این ناله چیست؟ پس گفت "این شیطان است همانا از عبادت خود مأیوس گردیده است. آنچه تو می شنوی من می شنوم، و می بینی آنچه من می بینم جز این که تو پیامبر نیستی اما تو وزیر و بر خیر و نیکوئی می باشی" .. من با او بودم ( ص ) وقتی جمعی کثیری از قریش نزد او آمدند. پس او را گفتند: ای

محمد همانا تو ادعائی بزرگ کردی که نه پدرانیت چنان ادعائی کردند نه هیچ یک از خاندانت و ما از تو خواهش داریم... " (۴۶)

امام و پیامبر صاحب علم غیب نیستند. حضرت روزی که از بعضی از فتنه های بزرگ خبر می داد، یکی از یاران گفت: " ای امیر مؤمنان، همانا که به تو علم غیب داده شده است. او (ع) لب به خنده گشود و به آن مرد که از قبیله کلبی بود گفت: ای برادر کلبی، این علم غیب نیست همانا که از صاحب علم آموخته می شود. علم غیب، علم قیامت است و آنچه خدای سبحانم در حیرت شمارش در آورده است آنجا که در سخن بزرگوار خود می فرماید:

" همانا که علم ساعت نزد اوست، باران را فرو می فرستد و می داند که در زهدانها چیست و هیچ کس نمی داند که در فردای خود چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند که در کدامین سر زمین خواهد مرد... "

پس، الله سبحانه می داند که از نر و ماده، و از زشت و زیبا، و سخی و بخیل و خوشبخت و بد بخت در رحم چیست و چه کسی هیمة آتش دوزخ است یا در مینو همراه پیامبران، این علم غیب است که جز الله، هیچ کس آن را نمی داند و آن جز این علم است که خدا به پیامبر خود آموخت و او آن علم را به من آموخت و از خدای خود خواست که سینه من آن علم را نگاهدارد. " (۴۷) امام در اینجا علم غیب را مشخص می کنند:

علم به قیامت که چه ساعتی بر پا خواهد شد. علم ساعت.

هیچ کس از فردای خود به طور قطع خبر ندارد که چه خواهد شد و یا چه خواهد کرد. علم به این که انسان در چه سر زمینی خواهد مرد و کسی علم سرنوشت نهائی خود را نمی داند.

امام می فرمایند که اینها علم غیب هستند و مابقی را می شود از صاحب علم آموخت و مابقی را خداوند به پیامبر خود آموخت و پیامبر هم آن را به حضرت آموخت و فرمود «ان مدینه العلم و علی بابها»، و از خداوند هم خواست که سینه اش آن علوم را نگاهدارد.

و بدین علت است که حضرت وقتی در قید حیات بود فرمود:

سلونی قبل ان تفقدونی.. " پیش از آن که مرا نبینید از من بپرسید. به حق خدائی که جان من در دست قدرت اوست، از حوادث امروز تا روز قیامت از هر پرسشی کنید شما را پاسخ گویم... " (۴۸)

امام در خطبه ۱۸۹ به مردم توصیه می کند قبل از آن که او را از دست بدهند، راه جلوگیری از فتنه را از او بپرسند که وقتی فتنه به پا شد عقل و خرد ذلیل می شود. ... ایها الناس، سلونی قَبْلَ ان تفقدونی، فَلانَا بِطُرُقِ السَّماءِ اعْلَمَ مَنْی بِطُرُقِ الارضِ،

" ای مردم! زان پیش که فساد پای گیرد و مهار خود را لگد مال کند و بیداد نماید و خرد مردم را از میان ببرد، پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من بپرسید، که من به راه های آسمان دانانترم تا به راههای زمین. " (۴۹)

مناسبت دارد که این نکته در همین جا روشن بشود که مقصود امام که به «راه های آسمان» دانانترم تا به راههای زمین، کهکشانها و منظومه های شمسی و راههای ثوابت و سیارات نیست بلکه مقصود، قرآن و احکام الهی و دستورات آسمانی که از طرق وحی به پیامبر می رسیده است، آگاهتر است، می باشد. دلیل این است که "کلمه «سما» در بسیاری از استعمالات به معنای عالم معنی و جهان ماوراء طبیعت استعمال شده چنانکه کلمه «ارض» نیز به معنای جهان ماده و زندگی دنیا آمده است. " (۵۰) برای روشن شدن، اشاره به یک نمونه کفایت می کند. حضرت علی در باره رحلت رسول خدا (ع) خطاب به آن حضرت می فرماید: " لقد انقطع بموتک ما لم یقطع بموت غیرک من النبوة و الانباء و اخبار السماء (۵۱)

" یعنی با مرگ تو ای رسول خدا چیزی قطع شد که با مرگ غیر تو قطع نمی شود و آن چیز، نبوت و اخبار آسمان بود و معلوم است که مقصود امام از اخبار آسمان، اخبار منظومه شمسی و کهکشانها نیست بلکه مقصود، وحی هائی است که از جهان ماوراء ماده به پیغمبر خدا(ص) می رسید. " (۵۲) آیا به غیر از کسی که دسترسی به علم حضوری پیامبر و وارث علم او باشد می تواند چنین ادعائی بکند؟

بر همین حساب در خطبه ای دیگر دریافت علم حضوری را از پیامبر چنین باز گو می کنند:

" به خدا سوگند اگر بخواهم که از هر یک از شما خبر بدهم که از کجا آمده اید و به کجا می روید و جمیع کارهاتان چیست، همانا خبر می دادم. اما از این بیم دارم که در مورد من به رسول الله (ص) کافر شوید. بدانید که من به کسانی از خواص اصحابم که از این خطر ایمنند، این مطالب را می رسانم. قسم به آن که او را بحق برگزید و بر آفریدگان برتری داد من جز راست نمی گویم و همه آن اخبار را با من گفت، محل هلاکت هر کس را که هلاک گردد و محل رستگاری و نجات آنکس که رستگار شود و نجات یابد و پایان کار این خلافت، همه را به من گفت و هیچ یک از حوادث را که بر من خواهد گذشت باقی نگذاشت جز این که در دو گوش من فرو خواند و آن را به من رسانید. ای مردم، به خدا سوگند شما را به اطاعتی بر نمی انگیزم مگر این که پیش از شما به سوی آن اطاعت بروم، و شما را از معصیتی نهی نمی کنم مگر که قبل از شما از آن باز ایستم. " (۵۳)

تا زمانی که هنوز امامان را علمای نادان و جاهل مطلق نکرده و به جای خدا ننشاند بودند، علم امام و پیامبر مطابق با بیان قرآن و امام علی محدود بود. در زیر نظر سه عالم بزرگ شیعی در مورد علم امام آورده می شود: مرحوم شیخ طوسی در مورد علم امام می فرماید: " « ولم نوجب ان یکون عالماً بما لا یتعلق له بالاحکام الشریعه»، ما گروه شیعه لازم نمی دانیم امام غیر از احکام شرعیه چیزهای دیگر را نیز بدانند" (۵۴)

شیخ مفید نیز بیان می دارد: " این که گفته اند: (امام حوادث آینده را می داند) اجماع ما گروه شیعه مخالف این گفتار است و هرگز شیعه چنین اجماعی ندارد. آری شیعه اجماع دارد که امام حکم همه حوادث را می داند، نه این که خود حوادث را به طور تفصیل بدانند" (۵۵)

این شهر آشوب نیز می گوید: "پیغمبر و امام لازم است احکام دین را بدانند ولی لازم نیست که علم غیب داشته باشند و ماکان و ما یکون را بدانند زیرا در این صورت لازم می آید در همه معلومات خدا شریک باشند در حالی که معلومات خدا بی نهایت است. و نیز لازم می آید پیغمبر و امام علم بالذات داشته باشند در حالی که ثابت شده که علم آن ها حادث است. و علم به طور تفصیل فقط به یک معلوم تعلق می گیرد و اگر علم پیغمبر و امام بی نهایت باشد لازم می آید که معلومات را بی نهایت بدانند و این غیر ممکن است." (۵۶)

### **نقش و وظایف امامت از دیدگاه علی(ع)**

از دیدگاه حضرت علی(ع) و نهج البلاغه، نقش و وظیفه امام همان نقشی است که پیامبر دارد و در قرآن معین و مشخص شده و در فصل سوم و چهارم به طور مشروح بیان شد. الا این که بر او وحی نمی شود و کتاب دیگری جز قرآن ندارد و وظیفه اش توضیح و روشن کردن مطالب قرآن با نظر و عمل خویش است:

نوف بکالی از حضرت روایت کرده است: " ای گروه مردمان، من پندهائی را در میان شما پراکندم که پیمبران به امتهای خود می گفتند، و چیزهائی را به شما گفتم که جانشینان پیمبران به کسانی که بعد از آنان بودند گفتند و شما را با تازیانه موعظه خود ادب کردم و راست نگشتید. اجر شما با خدا باد. و با گفته های منع کننده شما را راندم و با یک

دیگر فراهم نیامدید. به خدا که از شما در شگفتیم! که امامی جز من شما را به راه حق بکشاند و راه راست را به شما بنماید." (۵۷)

هرچه رسول گفت من همان را می گویم:

"به جان خودم سوگند که پیمانها نه برای شما دیر شده است، نه برای آنان؛ و روزگاران و قرون بین شما و ایشان نگذشته و امروز شما از روزی که در صلب آنان جای داشتید دور نیستید [یعنی تازه پدران شما در گذشته اندن]. به خدا سوگند که رسول (ص) چیزی به شما نگفت الا این که من اکنون آن را به شما می گویم و امروز گوش شما همان است که دیروز بود. در آن روزگاران چشم ایشان شکافته نشد و قلوب دیگر در سینه هایشان به کار انداخته نگردید مگر این که مثل آن را در این روزگار به شما داده است." (۵۸) امام تصریح می کند که همه را از پیامبر فرا گرفته است:

"و گفت [پیامبر به حضرت از آینده می گویند]: ای علی، همانا این قوم به وسیله اموال خود بزودی به فتنه در افتند و به دین خود بر پروردگار خویش منت نهند و تمنای رحمت دارند و از قهر و خشم الهی ایمن باشند و با شبهه های کاذب و آرزوهای بی فروغ حرام را حلال کنند و شراب را به نام نبیذ حلال شمردند و رشوت را به نام هدیه و ربا را به نام خرید و فروش.

گفتم: یا رسول الله، در آن زمان عمل آنان را چگونه به حساب آورم؟ و در چه درجه و مقام قرار دهم؟ در زمره مرتدان یا در صف کسانی که مورد آزمایش قرار گرفته اند، فرمود: "به منزله کسانی که مورد آزمایش قرار گرفته اند باشند." (۵۹)

### وظیفه امام

امام در نهج البلاغه به صراحت و ظایف و تکلیف امامت را که ادامه همان مسؤلیت و وظایفی است که پیامبر به عهده دارد، به صراحت بیان می کند:

"پس برای خدا! نه به کسی که نیازتان را بر نمی آورد شکایت برید نه به کسی که کاری که به سود شما استوار یافته است با رأی خود می شکند. همانا امام را جز آنچه به فرمان پروردگارش بر عهده دارد تکلیفی نیست.

اینک تکلیف او: ابلاغ اندرز. کوشش در نصیحت، زنده نگاهداشتن سنت و بر پا داشتن حدود در مورد کسی که مستحق آن باشد، باز گرداندن نصیب صاحبان حق بدون آن که از آن چیزی کاسته گردد." (۶۰)

کسانی که با تفسیر به رأی خود به استناد به آیت و یا آیاتی از قرآن می گویند که در قرآن خلافت و یا زعامت سیاسی امام آمده است به کجراه می روند، زیرا روایات و احتجاج آن حضرت را در دوران ۲۵ سال خانه نشینی و حتی در دوران حکومت پنج ساله آن حضرت در موارد مختلف در مورد زعامت و رهبری سیاسی تاریخ ضبط کرده است و در آنها حتی یک مورد نمی توان یافت که آن حضرت در باره امر ولایت و خلافت به قرآن استناد کرده باشد. اگر چنین چیزی در قرآن آمده بود، چه دلیل و مدرکی بهتر از این بود که امام به استناد به قرآن که حکومت و رهبری سیاسی

حق او است با مخالفینش به احتجاج بپردازد، وجود داشت؟ آیا اینان قرآن شناس تر از امام علی هستند؟

ملاحظه می شود که آنچه از زبان امام و نیز در فصل چهارم و این فصل، در نهج البلاغه حضرت علی آمده در انطباق با بیان قرآن است که در فصل سوم و چهارم به عنوان وظایف و نقش رسالت بیان گردید. حال که معلوم شد که امر حکومت و چگونگی اداره زندگی مردم به عهده خود مردم است و پیامبر و یا امام در امر حکومت شریک مردم نیستند و از جانب خداوند چنین وظیفه ای به عهده پیامبر و یا امام واگذار نشده است، پس سوال این است که چرا و چگونه پیامبر تشکیل حکومت داده و زمام امور مردم را در زمانی خاص بر عهده داشته و یا گرفته است که در این

مورد در فصل ششم توضیح داده شد و اما این که چرا حضرت علی به عنوان خلیفه چهارم زعامت رهبری سیاسی مسلمین را در اختیار داشته و یا آن را پذیرفته است. این مسأله را در فصل نهم و دهم با هم مطالعه می کنیم. ادامه دارد

### مراجعات:

۴۵ - بعد از پیش آمدن قحطی در مکه پیامبر اکرم برای سبک کردن بار سنگین عیال ابیطالب به عموهایش پیشنهاد کرد که هر یک یکی از فرزندان ابیطالب را تکفل نماید. عباس طالب و حمزه جعفر را تکفل کرد و پیامبر هم سرپرستی بود علی را که در آن موقع در سن شش سالگی به عهده گرفت و بدین ترتیب امام علی از سن شش سالگی تحت کفالت و سرپرستی مستقیم پیامبر قرار داشت.

۴۶- نهج البلاغه، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، چاپ دهم، خطبه ۱۹۲، که بنام خطبه "قاصعه" معروف است، قسمت اول، ص ۷۹۳ و ۷۹۵.

۴۷- همان سند، خطبه ۱۲۸، ص ۴۹۳ و ۴۹۵.

۴۸- همان سند، خطبه ۹۳، ص ۳۴۹.

۴۹- همان سند، خطبه ۱۸۹، ص ۷۴۹.

۵۰- شهید جاوید، صالحی نجف آبادی، چاپ هفدهم ۱۳۸۲، ص ۵۳۳.

۵۱- نهج البلاغه خطبه ۲۳۵.

۵۲- شهید جاوید، صالحی نجف آبادی، چاپ هفدهم ۱۳۸۲، ص ۵۳۳ و ۵۳۴.

۵۳- نهج البلاغه، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، چاپ دهم، خطبه ۱۸۹، ص ۷۴۹.

۵۴- شهید جاوید، صالحی نجف آبادی، چاپ ۱۷، ص ۴۵۲ به نقل از الشافی، جزء ۱، ص ۲۵۲ آورده.

۵۵- همان سند، ص ۴۵۴، به نقل از بحار طبع جدید ج ۴۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۵۶- همان سند، ص ۴۵۷ و ۴۵۸، به نقل از متشابه القرآن و مختلفه، ص ۲۱۱.

۵۷- نهج البلاغه، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، چاپ دهم، خطبه ۱۸۲، ص ۷۰۷.

۵۸- همان سند، از خطبه ۸۹، ص ۳۰۹.

۵۹- همان سند، از خطبه ۱۵۶، ص ۵۸۹ و ۵۹۱.

۶۰- همان سند، از خطبه ۱۰۵، ص ۳۹۳.